

رابطه‌ی دموکراسی-آزادی و توسعه‌ی اقتصادی در ایران

چگونگی رابطه‌ی دموکراسی-آزادی و توسعه اقتصادی در ایران

در حوزه اقتصاد-سیاست و اجتماع

امین بیات

دموکراسی، آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی لازم و ملزوم همدیگرند و اگر آزادی و دموکراسی در جامعه برقرار نباشد، و دموکراسی استقرار و استمرار نیابد، اقتصاد نمیتواند به تنهایی توسعه یابد، توسعه‌ی اقتصادی با پشتوانه دراز مدت و قانونمدار مستلزم آزادی اقتصادی، توأم با آزادی سیاسی است.



پیش از سال 57، مبارزه مردم ایران برای کسب آزادی، منجر به وقوع انقلاب شد، و پس از چهل و یک سال رکود، سازش مردم با حکومت ضد آزادی، و ندانم کاری بخشی از سازمانهای سیاسی در تشخیص ماهیت رژیم، در نهایت بسته شدن دهان آزادیخواهان، و پر شدن زندانها، رواج اعدام و بالاخره سرکوب آزادی، بار دیگر در مقطع های مختلف مردم را به خیابان به اعتراض کشاند، و ادامه ی این مخالفت ها با سیستم اسلامی میرود تا ورود مردم به مرحله ای از آن دوران و ادامه ی انقلاب 57 به انجامد که میتواند برای کل جامعه سر نوشت ساز باشد.

اگر در این مرحله نیروهای مبارز سیاسی و آزادیخواه جامعه از تجربیات و اشتباهات گذشته درس عبرت گرفته باشند بی تردید در امر کسب آزادی و حفظ آن بدست خود موفق خواهند شد اما اگر بار دیگر انحرافات گذشته با شیوه های جدید و نسنجیده تکرار شود، و از آزادی با چنگ و دندان و متحد پاسداری نگردد، برنامه ی توسعه های اقتصادی ناموفق و در نتیجه اقتصاد سیاسی نیز توسط هر گروه یا حزبی و یا سرمایه گذاری سرمایه داران داخلی و یا خارجی نیز محکوم و منجر به شکست مجدد خواهد شد.

به نظر من آزادی سیاسی، استمرار آن در جامعه، و ثبات سیاست های

اقتصادی میتوانند از طریق تاثیر گذاری نسبت بهم ، و یا روی عوامل تعیین کننده درجهت رشد اقتصادی همانند تورم، توزیع در آمد بنفع مردم ، چگونگی سرمایه گذاری در بخش تولیدات صنعتی و غذایی، و اطلاع داشتن کامل مردم از آن، و در نتیجه رکود اقتصادی و دلایل آن، که چه مسائلی باعث تورم شده، یا دلایل فرار سرمایه از کشور، چرا پول ملی سقوط کرده، نا امنی، ورشکستگی و دلایل دهها معزل دیگر اگر برای مردم روشن نباشد این وضع همچنان ادامه خواهد یافت. و قدر مسلم اینکه در این رژیم هیچ کدام از این مسائل بر شمرده اجرائی نخواهد بود.

در جهان سرمایه داری توسعه اقتصادی مستلزم وجود آزادی اقتصادی است، و همچنین تجربه مبین واقعیت تا کنونی شده که ، آزادی اقتصادی و توسعه اقتصادی در دراز مدت بدون وجود آزادی سیاسی، نمیتواند آینده روشن اقتصادی داشته باشد. نمونه بارز آن رژیم جمهوری اسلام که آزادی در آن حکم فرما نیست و در نتیجه اقتصاد نیز بدون آینده است، و بهمین دلیل در کشورهای سرمایه داری آزادی نسبی موجود است.

در کشوری مانند ایران که چارچوبی قانونی ندارد و جامعه قانونمند نیست، و قوانین ضد دمکراتیک آنهم مذهبی ، توانسته توسعه اقتصادی را با داشتن ثروت، دچار رکود نماید.

بدون وجود آزادی ، بدون داشتن روزنامه های مستقل ، بدون گزارشگران بی طرف و بدون ابواب جمعی رادیو و تلویزیون بیطرف و ملی، طبیعی است که سرمایه گذاری در انحصار افراد وابسته به دولت و رانت خواران در میآید، در جمهوری اسلامی ، پاسدار آن که وظیفه اصلیش پاسداری از حقوق دمکراتیک مردم میباشد خود رانت خوار و انحصار گر، نا مطلوب ، و موجب بی ثباتی جامعه است، با نبود دمکراسی ، آزادی عقیده و بیان، چطور میتوان سیاستمداران متخلف، سرمایه داران استثمارگر و احزاب ضد مردمی را کنترل، کرد.

چه عواملی باعث سقوط رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد؟ عوامل مهمی که به انقلاب کشیده شد و موجب سقوط دولت شاه گردید ، وابستگی و بحرانهای بیشمار بیکاری ، خود مرکز بینی شاه، و از جهت اقتصادی و استراتژی سیاسی اتخاذ شده توسط دولت و مجلس ، ساده انگارانه توسعه اقتصاد را که مساوی با رشد سطح تولید ارزیابی میکردند و به مسائلی مانند کار آفرینی، تامین اشتغال و توزیع روشن در آمد و همچنین تامین ساختارهای رقابتی ، کم اهمیت میدادند

و دیگری اینکه بطور کلی متکی بر نظامی بیش از اندازه متمرکز و هیچگونه مکانیزم قبول اشتباه در دولت و خود شاه قابل پیش بینی نبود، وابستگی به آمریکا و سیاستهای سرمایه داری جهانی.

نرخ رشد تولید ناخالص ملی در مقطع انقلاب بالغ بر 11% در سال بود ، همه چیز یک بعدی بود و جمعیت کشور درحالت روبه رشد ، و دولت شاه قادر نشد شغل مورد نیاز جامعه را تامین کند و نرخ بیکاری 9% بود، نا رضایتی از سیستم باعث اعتراضات گسترده مردم گردید، و با کمک و برنامه امپریالیسم نوکر دست نشانده را از کار بیکار کردند و نوکری دیگر را استخدام نمودند ، و مردم که در نا آگاهی از مسائل دور نگهداشته شده بودند دست شاه بودند و هم بدام آخوند های شیاد، افتادند .

بالخره قطار انقلاب به راه افتاد ، این قطاراما درچند قدمی ادامه حرکتش از ریل بیرون افتاد ، زیرا یک آلتر ناتو سیاسی معقول و متناسب با جامعه موجود نبود وخواست سرمایه داری جهانی وعاملین داخلی آنها موجب شد که در مدت کوتاهی قدرت را افرادی بدست بگیرند که بنا بر ماهیت خود توان استقرار و استمرار بر پائی دموکراسی را نداشتند، و در نتیجه توان توسعه اقتصادی را حتی با در آمد های سرسام آور از فروش نفت هم نتوانستند سر و سامان به اوضاع اقتصادی مردم بدهند ، تنها بفکر فتوحات و گسترش اسلام در جهان پیرامون بودند.

در جمهوری اسلامی تغییرات ساختاری موجب آن شد که میلیاردها ثروت کشور را به خارج از ایران بپیرند و در گسترش امپراطوری اسلام خیالی خود مصرف نمایند که آن نیز با شکست مفتضحانه روبرو شده، شرایط حاکم بر لبنان،عراق و سوریه نشانگر این واقعیت ملموس، میباشد .

مجموعه ای از عوامل باعث شد که اقتصاد جمهوری اسلامی که خمینی میگفت "مال خراست" رژیم را زمین گیر کند، و از طرفی با بی ثباتی و ندانمکاری جمعیت کشور در برابر زمان انقلاب حد اقل دو برابر شد، نرخ رشد اقتصادی از 11% به صفر نزدیک و تنزل یافته ، و در آمد سرانه کاهش چشمگیری از خود نشان میدهد نرخ بیکاری چند برابر شده ، صادرات و واردات بطور چشمگیری رشد منفی بخود گرفته و هیچ کشوری حاضر به سرمایه گذاری در ایران نیست ، رانت خواری و فساد اقتصادی در اکثریت بدنه ی دولت ، مجلس و بیت رهبری گسترش یافته است، یاس و نا

امیدی را به اوج خود رسانده است.

در مقایسه دست آوردهای دوران شاه و این رژیم بی ثباتی سیاسی غیر قابل مقایسه، نبود آزادی و قلع و قمع نهاد های مدنی چندین برابر شده، ممنوعیت سازمانهای سیاسی و اجتماعی کما فساد، تهاجم مضاعف و ستم مضاعف به زنان و زن کشی، در این رژیم شرم آور است، تهدید، اذیت و آزار اقلیت های مذهبی و دگراندیشان به اوج وقاحت خود رسیده، نبود وسایل ارتباط جمعی مستقل، دستگیری، زندان، شکنجه روشنفکران فعالان سیاسی کارگران، شکنجه زنان، و اعدام مخالفین و معترضین، بدون توجه به افکار بین المللی که هر کردار و گفتار عوامل شکنجه گر این رژیم را زیر زره بین در کنترل دارند، موجب نا امنی و نا رضایتی کامل مردم گردیده است.

آزادی سیاسی- آزادی اقتصادی- ثبات سیاسی و ثبات سیاستهای اقتصادی بهم ربط دارند:

_ آزادی سیاسی: در جامعه اسلام زده ی ایران، با دولتی که دارای مشروعیت سیاسی نیست، در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس آن حد اقل کمتر از 10% مردم در انتخابات شرکت کردند، و در سطح بین المللی نیز از اعتبار سیاسی ساقط و در لیست مجموعه تروریسم بین المللی قرار گرفته اند، چگونه انتظار سرمایه گذاری در جهت بهبود اقتصاد ورشکسته میسر است.

_ آزادی اقتصادی: حق مالکیت خصوصی و آزادی بهره برداری از مبادلات کالائی بنفع مجموعه ی وابسته به بیت رهبری، سپاه و آخوند ها و آستان قدس رضوی، که موجب اعتراض کارگران هفت تپه، هپکو، پتروشیمی گردیده و زیر سؤال رفته است بدلیل اینکه تولید ثروت انبوه و انحصار آن باید شکسته شود بنفع عموم مردم.

_ آزادی ثبات سیاسی: عامل مهم و تعیین کننده در آزادی سیاسی و اقتصادی است:

شرایط اقتصادی: یعنی بیکاری، تورم، سقوط ارزش پول ملی تابع وقایع سیاسی هستند که موجب تغییرات در دولت میشوند مانند اعتصابات - ترورهای سیاسی، دخالت های نا بجا در امور همسایگان، ساختارهای سیاسی بکار برده شده در انتخابات های قلابی و غیر دموکراتیک با تقلب های آشکار، روابط و ضوابط در سطح بین المللی و چگونگی رفتار رژیم.

شرایط نا پایدار بودن سیاست های اقتصادی:

نا پایدار بودن سیاست های اقتصادی یعنی نا پایدار بودن تورم-رشد تولید ناخالص ملی-رشد عرضه پول ملی-بسط اختیارات داخلی-کمبود بودجه -تغییرات نرخ ارز با قیمت واقعی آن.

پس از آنجا که اقتصاد پایدار و ساختار سیاسی مبتنی بر آزادی و حقوق بشر است و با هم ارتباط تنگاتنگ دارند، برای اینکه شهروندان کشور ما از آینده خود اطمینان نسبی متمایل به مثبت داشته باشند، باید توسعه اقتصادی را با آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی، ثبات سیاسی و توسعه اجتماعی با هم به پیش ببرند و مدیریت یک جامعه موفق بستگی به مدیریت سالم دارد، که در نظام جمهوری اسلامی نه مدیریت سالم داریم و نه فناوری روشن و نه صداقت در دولتهای سایه و معمولی، و به این مجموعه که دولت قادر به فروش نفت هم نیست و خزانه دولت خالیست، و نا کارآمدی دولتهای مذهبی کاملاً برای افکار عمومی روشن شده که قادر به حل و غلبه بر بحرانها نمیباشند، کل سیستم مذهبی و مسیر 41 ساله قادر به ادامه حیات نیست، شکست و فروپاشی کلیت رژیم حتمی میباشد، افراد موثر و وابسته به رژیم نیز به نا کار آمدی و فساد گسترده اذعان دارند و تنها برای غارت ثروت مردم با هم در جدالند.

ادامه رژیم جمهوری جهل و جنایت دیگر نمیتواند پایدار بماند، حتی سفر وزیر امور خارجه سوئیس به تهران که گفته: "من به ایران آمده ام تا بگویم سوئیس همواره به دنبال صلح و آرامش بوده است و اکنون نیز تلاش سوئیس آن است که حد اقل های گفتگو بین 2 کشور ایران (جمهوری اسلامی) و آمریکا برقرار شود." میبینیم که دولت و بیت رهبری به تلاشهای مذ بوهانه برای نجات رژیم دست بدامان سوئیس شده اند، هرگونه تقلاهای اجباری برای از بن بست خارج کردن جمهوری اسلامی دیگر نتیجه ندارد و ستونهای خمیده و اقتصاد ورشکسته و ساختارهای ارتجاعی و اسلامی جمهوری اسلامی دیگر قادر به حل اینهمه نا بسامانیها و کمبودها نیست.

07.09.2020

